



سعید محسنی در گفت‌وگو با «ایران» از نمایش «کلاغ‌ها» می‌گوید

یک نمایش درام اصفهانی نوشته سید حسین رسولی

گلشیری و دوستان و هنرمندان خوزستانی خیلی پیشرو بودند و به خوبی دیده می‌شدند ولی امروز اینگونه نیست. تئاتر اصفهان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اصفهان هم تقریباً مثل شهرهای دیگر است. این شهر امکانات نرم‌افزاری قابل توجهی دارد و بچه‌های تحصیل‌کرده فراوانی داریم. دانشگاهی به اسم سپهر داریم که کلی دانشجوی دارد و بیشتر استادان هم بومی هستند. این موضوع نشان می‌دهد از نظر استعداد و پتانسیل نرم‌افزاری حرف‌های فراوانی برای گفتن داریم اما از نظر سخت‌افزاری چیزی نیست. همه چیز در اختیار نهادهایی قرار دارد که دغدغه فرهنگی ندارند. این سازمان‌ها به دنبال گیشه و درآمد هستند و عملاً به سوی تئاتر آزاد می‌روند. ما هیچ سالن استاندارد در اصفهان نداریم. تالار هنر شهرداری اصفهان هم در حال بازسازی است. در انتها می‌توانم بگویم که تئاتر تنها دغدغه جامعه تئاتری است نه مردم و این جامعه هم دچار تشقت آرا شده است. هر کسی از آن چیزی می‌گوید که در ذهنش موجود است. ما بشدت موسمی و فردی کار می‌کنیم و صرفاً چراغ تئاتر روشن مانده و توسعه پیدا نکرده است.

مخاطب تئاتر اصفهان چگونه است؟

هزینه تولید تئاتر خیلی سنگین است. باید هزینه همه چیز را بدهید حتی نور و سیستم صوتی را اجاره کردیم و سالن نداشتیم. مخاطبان اصفهانی از ما حمایت کردند و خیلی خوب است. مردم ما تئاتر را دوست دارند و حتی از تئاترهای آزاد استقبال می‌کنند و صندلی‌های این نمایش‌ها پر است. چرخه مالی هم وجود دارد و واقعاً خوب است. من اگر با ۲۰ سال پیش قیاس کنم با رشد تماشاگر و جامعه مخاطب مواجه هستیم. نمایش «کلاغ‌ها» اجرای عموم رفت و مردم خیلی به مالطف داشتند.

جریان نقد تئاتر در اصفهان چگونه است؟ فکر می‌کنم جریان نقد در

شهرستان‌ها خیلی ضعیف شده است.

تلاش‌های پراکنده‌ای می‌شود و گاهی نقد روزنامه‌ای و تخصصی صورت می‌گیرد. دوره‌ای بود که فصلنامه‌ای چاپ می‌شد و نقد هم داشت و گاهی جلسات پرسش و پاسخ هم داریم. فکر می‌کنم شکل‌های اجرایی رشد کرده است ولی نقد و نظریه در سطح پایین‌تری قرار گرفته است. من احساس می‌کنم به عنوان نویسنده و کارگردان نقدهای قابل مکث ندیدم. تا حالا نشده است منتقدی چیزی بگوید که من روی آن اشراف نداشته باشم چه مثبت و چه منفی. ■

دغدغه سالیان سال بود که در ذهنم بود. به نظرم می‌شود با لهجه اصفهانی یک درام محکم تولید کرد.

اگر امکان دارد از فعالیت هنری خودتان بگویید.

من آخرین بار ۲۰ سال پیش در جشنواره تئاتر فجر شرکت کردم. دوره کارشناسی را در سوره بودم و مقطع ارشد را هم در دانشگاه تربیت مدرس. من دغدغه شرکت در جشنواره را نداشتم و مدت‌ها بود مشغول رمان‌نویسی بودم و دو کار را هم در نشر چشمه دارم. دورمان به نام‌های «دختری که خودش را خورد» و «نهنگی که یونس را خورد هنوز زنده است» را با همکاری نشر چشمه منتشر کردم. چند نمایشنامه دارم که در بوتیمار چاپ شده است. من هیچ‌گاه بیکار نبودم ولی بیشتر مشغول ادبیات و رمان شدم. انجمن نمایش اصفهان به من گفتند که گزارش تئاتر اصفهان را بازمین‌های مرکز منتقل خواهند کرد و بضاعت تئاتر استان را باید نشان بدهیم. من تلاش کردم برای اعتبار تئاتر استان در جشنواره شرکت کنم.

متأسفانه در تئاتر خیلی مرکزگرا هستیم. ما هنرمندان فراوانی در شهرهای مختلف ایران داریم ولی دیده نمی‌شوند و امکانات شهرستان‌ها خیلی کم است. به نظر تان باید چه کاری انجام بدهیم تا وضعیت بهتر بشود؟

اگر صادقانه بگویم باید تئاتر را تعطیل کنیم. متأسفانه همه چیز معطوف به شهر تهران شده است و هیچ دلیلی ندارد که کارهای تئاتری تهرانی‌ها تئاتری‌تر باشد! تئاتر به ما هو تئاتر است که اهمیت دارد. جایزه خیلی خوب است ولی حمایت رسانه خیلی مهم است. من خیلی دوست دارم رسانه‌ها از هنرمندان شهرستان حمایت کنند. من وقتی می‌خواهم خودم را به شما معرفی کنم باید از کارهای دنیای داستانی خودم بگویم و هیچ کدام از اهالی رسانه چون شما من را در تئاتر نمی‌شناسید. ای کاش رسانه‌ها به تئاتری‌های شهرستان فکر کنند. باید نگاه رسانه‌ای را از تهران برداریم به شهرستان توجه کنیم ولی فکر کنم در واقعیت عملی نشود. اگر به جشنواره فجر توجه بیشتری کنیم و امکان دیده شدن شهرستانی‌ها را در این مراسم بیشتر کنیم شاید همه چیز بهتر بشود. من در گوشه شهری دور از تهران کار می‌کنم و امیدوارم در این جشنواره از سوی رسانه‌ها دیده بشوم. باور بفرمایید جایزه برای من یکی اهمیتی ندارد ولی دیده شدن از سوی رسانه‌ها مهم‌تر است.

فکر می‌کنم در گذشته اینگونه نبود و این روزها همه چیز شده سلبریتی‌های تهرانی. فکر می‌کنم در گذشته دوستان ادبی اصفهانی چون هوشنگ

سعید محسنی پس از اجرای نمایش‌های «دختران بابا آنتوان» و «ردپا اگر ماندنی بود کسی راه خانه‌اش را گم می‌کرد» این بار هم به سراغ نمایشنامه‌ای از کارهای خودش رفته است تا «کلاغ‌ها» سومین اثر نمایشی او در دهه نود نام بگیرد. این نویسنده و کارگردان تئاتر اصفهان برای اجرای نمایش «کلاغ‌ها» پروسه تولید و تمرین نسبتاً طولانی و هدفمندی را دنبال کرده و با وسواس، تیم اجرایی و بازیگران را انتخاب کرده است. کار اورجینی بوده است چون به عناصری توجه کرده که پیش از این در تئاتر اصفهان نبوده است. در این اجرا، محمد ترابی و قادر طباطبایی از نسل بازیگران با تجربه تئاتر در کنار بهاره آقادات و آواز جوانان این عرصه، گروه بازیگران را تشکیل می‌دهند. محسنی معتقد است تئاتر برای کسی در اصفهان مهم نیست، اما هم خودش و هم گروه تولید ایده‌هایی را برای حرفه‌ای شدن مسیر تولید تئاتر و استفاده از لهجه و جغرافیای اصفهان در این کار پیشنهاد می‌کنند و به دنبال راهکارهایی برای ارتقای سطح کیفی تئاتر اصفهان هستند. آنچه می‌خوانید گفت‌وگوی ما با سعید محسنی است که یکی از زمان‌نویسان مطرح اصفهان است.

در باره نمایشنامه و شیوه اجرایی و کارگردانی نمایش «کلاغ‌ها» بگویید.

قصه نمایش درباره قشر ضعیف جامعه است. من سعی کردم ریختاری رئالیستی در مورد قصه در نظر بگیرم تا لهجه اصفهانی را به صورت واقعی به کار ببرم. به نظرم تجربه موفقی شده است چون باز خورد مثبتی از تماشاگران و اجرای عموم گرفتیم. به هر شکل این



عکس از غزل محسنی